گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۲۰۸۹
دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۴۰۰ ۱۲:۳۰

پژوهشگران عنوان کردند

چرایی کوچک شدن خانواده ها طی ۴۰ سال گذشته

بررسی‌های یک مطالعه نشان داد در چهار دهه اخیر اثرگذاری متغیّرهای باروری، ازدواج و شهرنشینی بر بُعد خانوار کم‌تر شده و در مقابل، شاخص‌های طلاق، امید به زندگی، تورّم اقتصادی و هزینه‌های مسکن تأثیر منفی بیشتری در کاهش بُعد خانوار داشته‌اند.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، «خانوار» به گروهی از افراد گفته می‌شود که در یک اقامتگاه مشترک ساکن هستند و هزینه‌ها، خوراک و دیگر ملزومات زندگی را با هم سهیم می‌شوند و به عنوان یک واحد اساسی و بنیادین در جوامع بشری به شمار می‌آیند. بسیاری از تصمیمات مربوط به فرزندآوری، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، مصرف، مشارکت نیروی کار، مهاجرت و ... در درجه اول در سطح خانوار اتفاق می‌افتد.
بر همین اساس هرگونه کاهش و یا افزایش در تعداد و میانگین بُعد خانوار، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا می‌تواند پیامدهای اقتصادی-اجتماعی متفاوتی را در پی داشته باشد.
بررسی‌ها نشان داده اگرچه دانش جمعیت‌شناسی و مطالعات مرتبط با این حوزه در ایران طی چند دهه اخیر رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است؛ اما جمعیت شناسی خانوار و به خصوص تغییرات در بُعد خانوار، خیلی مورد توجه قرار نگرفته است.
با توجه به همین مسئله پژوهشگران با انجام یک مطالعه با رویکرد طولی، تحولاتی که در چهار دهه اخیر در بُعد خانواده در ایران رخ داده است را مورد بررسی قرار دادند و عوامل موثر بر این تغییرات را نیز ارزیابی کردند.
داده‌های اصلی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند، داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران بود. اطلاعات مربوط به میزان عمومی طلاق و ازدواج، میزان شهرنشینی و میزان اشتغال نیز از داده‌های سازمان ثبت احوال کشور و مرکز آمار ایران استخراج شد. برای شاخص‌های اقتصادی نیز داده‌های بانک مرکزی مورد استفاده قرار گرفت.
در چهار دهه گذشته خانواده‌ها چقدر کوچک‌تر شدند؟
طبق بررسی‌های انجام‌شده، میانگین بُعد خانوارهای ایرانی در بازه زمانی ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۷، تغییرات متعددی را تجربه کرده است. مقدار این شاخص در ابتدای دوره ۵.۲ نفر بود که در اواخر دهه ۶۰ به ۵.۴ نفر نیز افزایش یافت. عمده این افزایش را می‌توان به افزایش باروری رخ داده در سال‌های پس از وقوع انقلاب اسلامی، مرتبط دانست.
در این مطالعه عنوان شد که میزان باروری در کل دوره، تاثیر مثبتی بر میانگین بعد خانوار داشته است. این تاثیر در دوره‌های اول روندی افزایشی داشت که عمدتا به دلیل افزایش باروری مشاهده‌شده در اوایل انقلاب است. با این حال و با ثبات باروری در یک دهه اخیر، تاثیر این شاخص نیز روندی به نسبت ثابت به خود گرفته است.
تاثیر ازدواج و طلاق در بُعد خانوار
میزان عمومی ازدواج نیز در طول دوره تاثیر مثبتی بر بعد خانوار داشت. با این حال این تاثیر در سال‌های مختلف ثابت نبوده است و تاثیرگذاری آن در سال‌های اولیه دارای روندی افزایشی و سپس روندی کاهشی بوده است. دلیل این امر می‌تواند این باشد که در سال‌های اولیه (دهه ۱۳۶۰)، بیشتر افرادی که ازدواج می‌کردند در خانه والدین ساکن می‌شدند و به همراه آنان زندگی می‌کردند که این امر خود بر افزایش بسیار بیشتر بعد خانوار تاثیرگذار بود. منتها با تغییرات نگرشی که در دهه‌های بعد رخ داد، بیشتر افراد پس از ازدواج در خانوارهای جدا ساکن می‌شوند و لذا از تاثیرگذاری ازدواج بر افزایش بعد خانوار کاسته شده است.
یافته‌های این مطالعه نشان داد که تأثیر طلاق بر خلاف دو متغیر ازدواج و میزان باروری، منفی است. تأثیر طلاق تا اواسط دهه ۱۳۷۰ رو به کاهش بود اما پس از آن روند افزایشی آن شروع شده و هرچه به پایان دوره نزدیک می‌شویم تأثیر منفی آن بر بعد خانوار افزایش می‌یابد. این مسئله را می‌توان به دو موضوع مرتبط دانست. نخست این‌که در سال‌های آغازین میزان‌های طلاق کمتر بوده و بنابراین تأثیر آن نیز در مقایسه با دوره‌های پایانی کمتر است. دوّم این‌که احتمال این‌که افراد در دوره‌های اوّل پس از این‌که طلاق گرفتند به خانه والدین برگردند، بیشتر بوده است؛ در حالی که این امر امروزه کمتر اتفاق می‌افتد و معمولاً افراد پس از طلاق در خانوارهای جداگانه باقی می‌مانند.
مشاهدات دیگر در این تحقیق، حاکی از این بود که تأثیر امید زندگی طی ۳۵ سال گذشته به صورت منفی بوده است. هر چند ضریب تأثیر این شاخص در مقایسه با دیگر شاخص‌های جمعیتی بسیار اندک است. تأثیر این شاخص در دهه اوّل بسیار کوچک و نزدیک به صفر بوده است با این حال از اوایل دهه ۷۰ تأثیر منفی آن روند افزایشی به خود گرفته است.
همچنین یافته‌های این مطالعه حاکی از آن است که در طول بازه زمانی مورد بررسی از میزان تاثیرگذاری متغیرهای باروری، ازدواج و شهرنشینی بر بعد خانوار کاسته شده و در طرف مقابل، تاثیر منفی شاخص‌های طلاق، امید به زندگی، تورم اقتصادی و هزینه‌های مسکن رو به افزایش گذاشته شده است.
نقش متغیرهای اقتصادی و هزینه مسکن در کوچک‌تر شدن خانواده‌ها
اثرات متغیّرهای اقتصادی-اجتماعی بر بعد خانوار نیز اهمیّت زیادی دارد. تأثیر شهرنشینی بر بعد خانوار به صورت منفی و معکوس بوده است. نکته مهم در این رابطه نحوه تأثیر گذاری این متغیّر در طول زمان بود. یکی از مشخّصه‌های اصلی شهرنشینی، افزایش در تعداد خانه‌های کوچک‌تر است و با توجّه به اینکه مسکن بزرگ‌تر هزینه بالاتری دارد، بنابراین خانوارها در شهرها سعی دارند تعداد اعضای خود را کاهش دهند. لذا با افزایش شهرنشینی، طبیعی است که بعد خانوار نیز رو به کاهش بگذارد.
تأثیر هزینه مسکن نیز به عنوان متغیّری کلیدی در بعد خانوار و نیز تشکیل یک خانوار جدید شناخته می‌شود. انتظار می‌رود هرچه هزینه‌های اجاره مسکن یا قیمت زمین مسکونی بالاتر باشد، تمایل به تشکیل خانوارهای جدید و خانوارهای با تعداد افراد بیشتر، کاهش یابد.
تأثیر میانگین درآمد خانوار بر بعد خانوار در ایران نشان داد که تأثیر درآمد خانوار در طول سال‌های مورد مطالعه به صورت منفی است. هرچند روند تأثیرگذاری این متغیّر در طول دوره مورد مطالعه در نوسان است، اما تأثیر منفی این شاخص از سال ۱۳۸۵ به بعد روندی افزایشی به خود گرفته است.
کارشناسان به این نکته اشاره کرده‌اند که در طول دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۶ هم قدرت خرید خانوارها و هم سطح رفاه اجتماعی آن‌ها با کاهش روبرو بوده است که این امر می‌تواند افزایش تأثیر منفی اشاره شده در دوره مورد نظر را تا حدی تبیین کند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده پژوهشگران این مطالعه می‌گویند: تغییرات در میانگین بعد خانوار منعکس‌کننده روند تغییرات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی رخ داده در کشور در طول چند دهه گذشته است. تغییراتی که در این مدت برای شاخص‌هایی همچون باروری، امید زندگی، شهرنشینی، هزینه‌های مسکن و تورم اقتصادی و نیز تغییرات فرهنگی همچون افزایش تحصیلات افراد و پایگاه زنان در جامعه رخ داده است، همه این‌ها را می‌توان به‌عنوان بخش کوچک‌تری از فرآیند جهانی‌شدن و ارتباط با جامعه جهانی دانست. در واقع تغییرات در ارزش‌ها و نگرش‌های نسل‌های جوان‌تر که امروزه با رشد ارتباطات و گسترش استفاده از رسانه‌های جمعی بیش از پیش با دنیای مدرن در ارتباط هستند، می‌تواند تغییرات در الگوهای سکونت را تسریع بخشد و این امر منجر به کاهش بیشتر بعد خانوار در آینده شود.

پژوهشگران این تحقیق بر اساس یافته‌های این مطالعه، پیشنهاداتی را ارائه کردند:

- اجرای برنامه‌هایی که بتواند شکاف تعداد فرزندان ایده‌آل زوجین و میزان باروری کل را کم‌تر کند؛
- توجه به سیاست‌های حامی خانواده برای تسهیل ادغام زندگی شغلی و خانوادگی زنان؛
- توجه به بخش مسکن و هزینه‌های مرتبط با آن؛
- ساخت مسکن‌های به اندازه کافی بزرگ و دادن مالکیت آن‌ها به زوج‌های جوان تحت شرایط خاص، برای تشویق جوانان به گرفتن سرپرستی خانوار در کنار والدین؛
- بالا بردن امید به زندگی؛
- توجه بیشتر به روند افزایش میزان طلاق.

به گفته پژوهشگران این مطالعه؛ در صورت عدم توجه به این موارد و ادامه این روند، به نظر می‌رسد کاهش بعد خانوار همچنان ادامه داشته باشد و امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

در انجام این تحقیق میلاد بگی؛ استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه بوعلی سینای همدان و محمدجلال عباسی شوازی؛ استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران و استاد افتخاری دانشگاه ملبورن، مشارکت داشتند.

یافته‌های این مطالعه به صورت مقاله علمی با عنوان «عوامل تعیین‌کننده کاهش بُعد خانوار در ایران طی چهار دهه اخیر» در دو فصل‌نامه مطالعات جمعیتی مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، منتشر شده است.